اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت شصت و شش)

شفا

انسان هنوز به درک عمیق نرسیده است که شفا فقط و فقط نزد خدای متعال است. بعضی از عرفانهای مبتنی بر جادو که اخیرا در دنیا زیاد شده اند؛ برای ایجاد احساس شفا در بیماران خود؛ از حربه های مشخصی استفاده میکنند. مثلا یکی از ترفند های مدعیان شفا درمانی برای قانع کردن بیماران، استفاده از ترشحات آدرنالین در فرد داوطلب است. بدن هر انسانی در هنگام ترس یا اضطراب و هیجان مادهای به نام آدرنالین ترشح میکند. آدرنالین سبب ایجاد تسکین در وی شده و بنابراین در چنین موقعیتهایی، شخص بیمار دردی که در بدن خود دارد، را احساس نمیکند. آدرنالین مسکن و ضد درد بسیار قوی ای است. مدعیان درمانگری نیز با سیلی یا ضربه زدن به فرد مورد نظر ، فریاد ناگهانی زدن و ایجاد دلهره، سبب ترشح آدرنالین در او

می‌شوند و از هر روش دیگری که باعث ترشح زیاد ادرنالین شود، استفاده میکنند. این مسکن قوی باعث میشود فرد تا مدتی هیچ دردی احساس نکند و عدم احساس درد به مدت مشخصی را شفا بحساب می آورند. در جریانهای عرفانی مسیحی به این کار تدهین یا لمس شفا (The Healing Anointing) **می‌گویند و در بعضی مواقع از تلقین و هیپنوتیزم هم استفاده میکنند. اینها روشهایی هستند که بدن هر انسانی نسبت به آن واکنش طبیعی نشان میدهد و ربطی به شفا ندارد ولی متاسفانه مدعیان شفا، این موارد طبیعی را با نام خود و یا رئیس و شیخ خود تمام میکنند. در واقع آنها بیماران را از حالی به حال دیگر می برند و بیمار فریب خورده فکر میکند که شفا یافته است. جریان منحرف مسیحیت فکر میکند که هر کسی با تمرین میتواند مثل مسیح شود و مردم را شفا دهد. حتی شفایی که مسیح هم انجام میداد به اذن خدا و معجزه بوده است.**

دانشمندان سر دردهای مزمن را با قرصهای ساده درمان کرده اند و یا حتی حساسیت به گل را با گلهای مصنوعی در افراد بر انگیخته اند. این گونه موارد ربطی به شفا ندارد و جزو طبیعت هر انسانی است.

عرفان حلقه یک نسخه ایرانی از یوگاست که انرژی هوشمند کائنات را مطرح میکنند و به قول خودشان برای اتصال مستقیم به خدا به این انرژی وصل میشوند. آنها با انجام مراحلی که شبیه یوگاست ، به خلسه میروند و خیال میکنند که به انرژی خدا وصل شده اند و با خدا وحدت وجود پیدا کرده اند. و البته این حالات جسمی مثل

حالتی هست که اجنه بر انسان تسلط پیدا میکنند و البته این شباهتها به این دلیل است که در این عرفانها، اجنه بر افراد مسلط میشوند.

بشر در درک مسائل معنوی بسیار کوته بین است و خیلی فاصله دارد تا بفهمد که شفا فقط نزد خداست و بس. اگر شفا فقط نزد خدا نباشد، برای انسان مفید نخواهد بود. اگر مسیح بیماران را شفا میداد؛ به خاطر اذن و اجازه خدا بود. باید بدانیم که اذن یک امر دو طرفه است. یعنی وقتی مثلا من به خانه شما بیایم؛ باید ابتدا از شما اذن بگیرم و در مرحله بعدی، شما هم باید اجازه دهید. مسیح پیامبر خدا بود و به اذن خدا بیماران را شفا میداد. وقتی بحث اذن در قرآن مطرح میشود؛ یعنی آن معجزه یک رابطه دو طرفه بوده است و کاملا تحت کنترل خدا بوده است. معجزات را خود خدا انتخاب میکند و نه پیامبران. زمانیکه موسی برای اولین بار عصا را انداخت و به مار تبدیل شد؛ ترسید و فرار کرد. این یعنی حتی موسی نمیداند که چطوری عصا به مار واقعی تبدیل میشود و فقط معجزه با اجازه و اذن خدا در دستان موسی انجام می گیرد. موسی عصا را به مار تبدیل میکرد برای اینکه ثابت کند از طرف خدا پیام دارد و از طرف خدا اذن برای اینکار دارد. چرا؟ زیرا معجزات فقط به اذن خدا انجام میپذیرند و پیامبران از آن به عنوان مدرک از طرف خدا بودن استفاده میکنند. هر پیامبری معجزه ای انجام میداد، میخواست که نشان دهد از طرف خدا پیام دارد؛ زیرا این کار فقط بوسیله خدا انجام می پذیرد و نه فرد دیگری. وقتی مسیح بیماران را شفا میداد؛ میخواست به مردم بگوید که ای مردم فقط خدا بیماران را شفا میدهد و من

مسیح در این مورد به اذن او انجام میدهم تا ثابت کنم که فقط خدا شفا میدهد. در زمانه مسیح؛ علم پزشکی که تقریبا با جادوگری هم آمیخته بوده است؛ پیشرفتهای زیادی کرده بود. به همین خاطر خدا این نشانه را برای آن زمان انتخاب کرد. بنابراین نمیتوان شفا را برای غیر خدا در نظر گرفت. این آیات قرآنی را باید با آب طلا نوشت و سر درب همه مساجد نصب کرد.

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾

آن کس که مرا آفریده و همو راهنماییم می کند (۷۸)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾

و آن کس که او به من خوراك می دهد و سیرابم می گرداند (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾

و چون بیمار شوم او مرا درمان می بخشد (۸۰)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿۸۱﴾

و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند (۸۱)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾
و آن کس که امید دارم روز پاداش گناهم را بر من ببخشاید (٨٢)

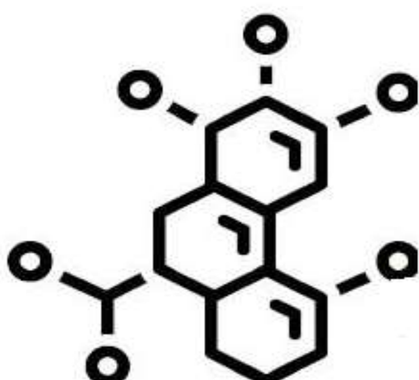
شفابخشی نه مربوط به ویژگی داروست و نه مربوط به قدرت داروست. بلکه شفا فقط از طرف خداست. حتی خدا برای عسل می فرماید که در آن شفاء (فیه الشفاء) است برای مردم؛ خدا نمی فرماید که عسل شفاست، بلکه می فرماید در آن شفا وجود دارد. احمد نیشیتوبا، در یکی از مقالاتش گفته است که :

در عسل همان شفایی است که انسانها برای شفای جسمشان در این دنیای فانی به آن نیاز دارند. بیماریهایی که جنیان و شیاطین بر انسانها تحمیل میکنند و جسم آنها را بیمار میکنند؛ به امر و اذن خدا بوسیله عسل شفا پیدا میکند.

عسل به روش فوق العاده ای بدست میاید که خارج از محدوده تکنولوژی انسانهاست. عسل به روش وحی بدست میاید که از نوع تکنولوژی آسمانهای بالاتر است. فرآیند تهیه عسل، نه تنها عسلی تهیه میکند که در آن شفاست؛ بلکه فرآیند باروری گلها و گیاهان را هم تضمین میکند. دانشمندان ثابت کرده اند که اگر زنبور عسل از بین برود، صد هزار نوع گل و گیاه نیز از بین می رود و زمین مثل مریخ میشود. زنبور عسل برای تهیه یک کیلو عسل، مسافتی معادل هفت برابر دور کره زمین را می پیماید و از ده میلیون گل استفاده می کند. با یک محاسبه ساده، میتواند پی برد که عسل تهیه شده، یک معجون فوق العاده پیچیده و یونیک (منحصر به فرد) است.

طریقه تهیه عسل، اینطوری است که زنبورها از میان صدها هزار گل و گیاه و خار و درخت به وحی خدا چندین گل و گیاه را انتخاب میکنند و از آن گل و گیاه تغذیه کرده و طی فرایندی به کندوی عسل منتقل میکنند. بنابراین یک گرم عسل ممکن است که ترکیب ده گل و گیاه با دوزها و اندازه های مختلف. یعنی یک کندوی شش ضلعی پر از عسل که شاید یک گرم عسل باشد؛ ترکیبی از گل شماره ۹۰ و گیاه شماره ۵۰ است و همچنین با دوزهای مختلف. در اینجا متوجه خواهیم شد که میلیاردها ترکیب میتواند از یک عسل موجود باشد (ترکیب گلهای مختلف با دوزهای مختلف). ترکیب این گلها و گیاهان با دوزهای مختلف، نکته مهمی است. حتی در داروخانه ها هم بعضی داروها آماده موجود نیست و آن را از ترکیب چند ماده بدست می آورند و داروساز باید آن را درست کند با دوزهای مختلف و بیمار باید منتظر باشد تا این کار انجام شود و داروی خود را تحویل گیرد. ترکیباتی که در داروهای داروخانه صورت می گیرد محدود به چند ماده و داروست و بیشتر داروهای داروخانه آماده موجودند. اما تعداد ترکیبات عسل به اندازه تعداد گل و گیاهان و درختان و همچنین دوزهای آنها موجود است که به عبارتی میتوان میلیاردها ترکیب بدست آید. نکته مهم مساله اینجاست که انتخاب این ترکیب، نتیجه وحی است و خدا خودش ترکیب عسلها را به زنبور وحی میکند و چه داروسازی بالاتر از خدای متعال. علت اصلی وجود شفا در عسل به خاطر روش جمع آوری آن است که وحی است. ترکیب حاصل از وحی با ترکیب دست ساز انسان، بسیار بسیار متفاوت است. داروهای ساخت انسان بیشتر روانگردان است تا شفا.

آیات قرآنی هم بصورت ترکیبی است که خدا آن را به ما یاد میدهد. گاهی یکی کل قرآن را حفظ است ولی هدایت یافته نیست ولی یکی دیگر، یک آیه از قرآن را میخواند و متحول میشود. بنابراین شفا به مقدار نیست و بلکه به انتخاب است. که خدا خودش انتخابش میکند و این تعریف شفاست.





در علم شیمی هم ترکیب مواد مختلف را معمولا بصورت شش ضلعی نمایش میدهند و جالب است که خانه های کندوی عسل هم شش ضلعی است. انگار خدا به این طریق میخواهد ما را راهنمایی کند که این کندوهای شش ضلعی حاصل ترکیب گل و گیاهان مختلف است با دوزهای مختلف. ترکیباتی که از ماده ها وجود دارد، از قبل بوجود آمده اند. اما ترکیبات عسل امسال با عسل پارسال فرق میکند و چون به وحی مرتبط است، یک حالت دینامیک میگیرد و به همین خاطر خدا فرموده است که در عسل شفا وجود دارد.

خدا در قرآن کریم فرموده است که به زنبور عسل وحی میشود. قطعا باید در طریقه زندگی او شگفتیهای فراوانی باشد. او خانه هایش را بصورت شش ضلعی میسازد. وقتی بقول قرآن، طریقه خانه سازی او از طرف خدا وحی شده است یعنی نمونه کوچکی از تکنولوژی عالم بالاتر در آن نهفته است. بیایید نظر دانشمندان را در مورد خانه سازی زنبور عسل بدانیم.

- **خانه ها بصورت شش ضلعی کنار هم ساخته میشوند. این باعث میشود که بیشترین مقدار عسل در آن جای گیرد و کمترین موم در ساخت خانه استفاده شود. اگر خانه ها بصورت دایره ای یا پنج ضلعی و یا هفت ضلعی ساخته میشد، باعث اتلاف فضا و موم میشد و این مورد از طریق فرمولهای ریاضی ثابت شده است.**
- **عسل بعد از هزار سال هم سالم میماند زیرا میکروب در آن زنده نمی ماند و این از شگفتیهای آن است. طرز ساخت عسل از گیاهان و گلها، آنچنان شگفت انگیز است که تمام خواص دارویی گیاهان و گلها به عسل منتقل میشود. به همین خاطر واقعا عسل یک فراماده است و انگار از بهشت آمده است و در درمان بیماریهای مختلف به عنوان شفا عمل میکند. فرآیند وحی به زنبور بسیار پیچیده است و در زندگی ما انسانها بسیار موثرند. زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، روی آن گلی که باید بنشیند، می نشیند و عسل آن را کسی که باید شفا یابد، مصرف**

میکند. اگر خدا شفای کسی را در فلان ترکیب گلها و گیاهان قرار داده باشد و آن فرد اگر بنا به اراده خدا قرار باشد که شفا یابد، از آن عسل مصرف میکند.

- انواع زنبورهای دیگر هم هستند که عسل چندانی تولید نمی کنند و به اندازه نیاز خودشان تولید میکنند. اما زنبور عسل، بیشتر از نیاز خود تولید میکند و این به امر خداست تا انسانها هم از آن بهره برند.
- زنبور عسل در حین جمع آوری شهد گلها و گیاهان، ناخودآگاه گرده افشانی هم انجام میدهد و باعث بقای گلها و گیاهان زیادی میشود. اگر زنبور عسل نباشد، بعد از چند سال اثری از گلها و گیاهان زیبا نیست و همگی نابود میشوند. آنوقت خود بشر باید گل بکارد و گیاه بکارد؛ درحالیکه اکنون مفت در اختیارش است.
- خدا به زنبور عسل وحی میکند. دانشمندان ثابت کرده اند که زمین بدون زنبور عسل در عرض کمتر از سه سال نابود میشود. اهمیت وحی از اینجا ناشی میشود. زمین بدون وحی، خرابه ای بیش نیست. بشر بیخودی به خود مغرور است. اهمیت وحی در پیام خدا هم هست. پیامی که خدا در کتب آسمانی برای مردم جهان فرستاده است، باعث شده که زمین هنوز برپا باشد و اگر این نوع از وحی نبود، تابحال بشر همدیگر را بکلی نابود کرده بودند و یا خورده بودند.

- **خدا در قرآن شفا را در عسل و قرآن قرار داده است. شفای جسم در عسل و شفای روح در قرآن است. هر دو وحی شده اند و از عالم بالاترند. این نشان میدهد که ما چقدر وابسته به عالم بالاتریم. بدون وحی از طرف خدا بشر نمیتواند بیش از سه سال در زمین زندگی کند. بشر بدون وحی یک موجود وحشی به تمام معناست.**

در نقطه مقابل سیستم رحمانی، مواد مخدر صنعتی زیادی بوجود آمده است. مقداری تغییرات در یکی بوجود می آورند و با یک ماده مخدر دیگر ترکیب میکنند و یک ماده مخدر با دوز بالاتر بوجود می آورند و به این طریق مصرف کننده روز به روز نابودتر میشود. اسم این را گذاشته اند شفا. حتی بعضی جاها اسامی انحرافی دیگری برای مواد مخدر استفاده میکنند. مثلا نام هروئین از کلیمه هیرو به معنای قهرمان گرفته شده است و دلیل انتخاب این نام هم اثرات و خواص انرژی بخشی بوده که از هروئین دیده شده است. و حتی در ایران به آن گرد و دوا هم میگویند. یا بعضی از شعراء، از ماده مخدر تریاک به عنوان درمان هردردی در اشعار خویش نام برده اند. خدا قرآن و غذاهای سالم و عسل را به مردم توصیه میکند و شیطان هم اشعار و مواد مختلف مخدر همراه با ترکیبات آن را معرفی میکند.